خبر

مردم چرا آثار تاریخی را خراب یا حفظ می‌کردند؟

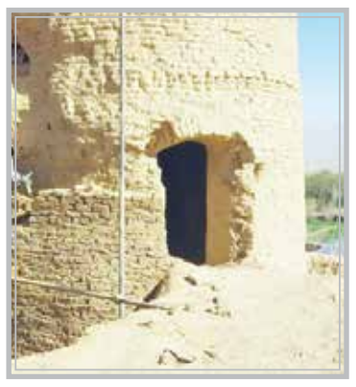

در نشست تخصصی با عنوان «حفاظت و مرمت و توسعه پایدار» با بررسی ریشه غفلت‌هایی که در حوزه مرمت و حفاظت شده است، گفته شد: «این طور نیست که بگوییم مردم در گذشته بیشتر آثارشان را حفظ می‌کردند، بلکه آن‌ها خیلی از آثار را خراب هم کردند. انگیزه‌های متفاوتی پشت این رفتارها بوده است. این رفتارها بستگی به این داشته که چه برهه‌ای از گذشته به قدرت امروز آن‌ها کمک می‌کرده است. اگر برای افزایش قدرت بوده است، آن را حفظ می‌کردند، وگرنه از بین می‌بردند.»

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی موزه‌های بنیاد مستضعفان، رضا رحمانی ـ عضو هیأت علمی پژوهشکده حفاظت و مرمت ـ در نشست تخصصی با عنوان «حفاظت و مرمت و توسعه پایدار» که در سالن کنفرانس پردیس موزه‌ای دفینه برگزار شد، با تعریف حفاظت و ارتباط آن با میراث فرهنگی، حفاظت را یک امر فرهنگی دانست که باید با توسعه همراه شود و از طرفی با هنجارهای جامعه نیز منطبق باشد و همچنین خلاقیت و نوآوری را دو رکن اساسی در این زمینه دانست که به آن توجه کافی نشده است. رحمانی با مثالی از سنت وقف در گذشته، آن را عامل مهمی برای حفظ و نگهداری اثر معرفی کرد که امروزه در آئین‌نامه‌های مربوطه رعایت می‌شود.

او گفت: یکی از موارد مغفول‌مانده در میراث فرهنگی، خلاقیت و نوآوری است، در حالی که در گذشته هم نوآوری و هم خلاقیت داشته‌ایم. برای همین است که تک‌بعدی نگاه کردن به امر حفاظت باعث شده تا حفاظت‌های ما مقطعی باشد و استمرار نداشته باشد، اما اگر به مقوله حفاظت درست نگاه شود باعث خواهد شد پایداری در حفاظت باقی بماند.

عضو هیأت علمی پژوهشکده حفاظت و مرمت با بیان این‌که جایگاه مرمتگر در حفاظت پلی ارتباطی میان گذشته و آینده است که از گذشته برای آینده و به منظور پایداری یک اثر هنری استفاده می‌کند، اظهار کرد: ما همیشه در طول تاریخ و در دانش سنتی، حفاظت پیشگیرانه را داشته‌ایم. ما اگر می‌خواهیم در حوزه فرهنگ، توسعه پایدار داشته باشیم باید به فرهنگ خودمان متکی باشیم. امروزه به این نتیجه رسیده‌اند برای این‌که بتوان اثری را حفظ و معرفی کرد، باید به فرهنگی که اثر در آن خلق شده توجه شود.

این پژوهشگر بیان کرد: ما در در دیوارنگاره‌ها طوری عمل کرده‌ایم که انقطاعی بین فرهنگ گذشته خود و مخاطب امروزی ایجاد کرده‌ایم، چون مرمت را صرفاً تکنیکال دیده‌ایم و روایتی را که پشت میراث فرهنگی بوده ندیده‌ایم. یکی از بحث‌های چالشی که در حوزه مرمت وجود دارد، جدا کردن میراث ملموس و میراث ناملموس از یکدیگر است. نمی‌توانیم کالبد شیء را جدا درنظر بگیریم و پیام آن شیء را جدا ببینیم.

نمی‌توانیم مسجدی را ثبت کنیم، ولی بگوییم کسی در آن نماز نخواند

فرهاد نظری از کارشناسان میراث فرهنگی نیز گفت: نگاهی که ما به میراث فرهنگی داریم یک نگاه جامع است. حفاظت و مرمت متمرکز بر کالبد اثر است، گرچه این رویکرد لازم است، اما کافی نیست و باید به سایر ابعاد نیز توجه داشت.

نظری به فلسفه حفظ اثر در گذشته پرداخت که در گذشته آن‌چه به نفع خود بوده، باعث بقا و حفظ اثر از گذشته می‌شده است و با ذکر مثال‌هایی به تشریح و تبیین این موضوع پرداخت.

این کارشناس میراث فرهنگی، یکی دیگر از علت‌های حفظ اثر در دوره‌های مختلف را وجه کاربردی آن دانست که اثر چه نقشی در وضعیت امروز ما داشته و گاهی نیز تحریفاتی برای حفظ منافع موجب بقای اثر می‌شده است.

نظری اظهار کرد: حدود دو هزار بنای وقفی سالم در ایران وجود دارد، مانند «مدرسه سپهسالار» یا خیلی از جاهای دیگر که آثار نفیسی هم دارند. مانند یکی از نسخه‌های پنج گنج نظامی. وقف نهاد مستقل و خودکفا بوده که نقشه مدیریت داشته و هزینه‌هایش را خودش تأمین می‌کرده است، اما الان در بسیاری از آثاری که وقف شده‌اند و موقوفه دارند، ارتباط وقف با موقوفه از بین رفته است، مثلاً «مسجد جامع اصفهان» موقوفات زیادی دارد، اما پول مرمت آن از اعتبارات دولتی تأمین می‌شود.

میراثی که در خطر ماند!

نقالی در محاق

«نقالی» یکی از هنرهای نمایشی ایران است که از دیرباز در این مرز و بوم اجرا می‌شده، اما گرد فراموشی و بی‌توجهی بر چهره این هنر ایرانی موجب شد که در فهرست جهانی میراث در خطر یونسکو ثبت شود؛ اقدامی که به نظر می‌رسد دردی از وضعیت «نقالی» دوا نکرده و در سال‌های پس از ثبت هم این میراث در انزوا قرار دارد.

سلیقه‌مخاطب نیز تغییر کرده است و برای زنده‌نگه‌داشتن نقالی ارتباط بین حاملان این هنر و مخاطب باید دوباره برقرار شود

مریم نعمت طاووسی - مسؤول تهیه و ثبت پرونده جهانی نقالی ـ در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت «نقالی» پس از ثبت جهانی، اظهار کرد: تا آنجا که می‌دانم «نقالی» تنها میراث ناملموس ایران بوده که در فهرست میراث جهانی در خطر ثبت شده است. «میراث در خطر» میراثی است که ممکن است به دلایل مختلف، دیگر آن را نداشته باشیم. حال به این دلیل که حاملان این «میراث در خطر» در معرض انقراض قرار گرفته‌اند و شاگردی ندارند که مهارت و دانش خود را در اختیارشان قرار دهند و یا به هر دلیلی، جامعه مخاطب خود را از دست داده‌اند. درباره «نقالی» شاهد هر دو مورد بوده‌ایم. امروز اساتیدی در این حوزه داریم که حمایتی از آن‌ها نمی‌شود.

به تعهدات پرونده جهانی «نقالی» عمل نشده است

او ادامه داد: وقتی پرونده‌ای ثبت جهانی می‌شود باید ببینیم که توقعات از آن چیست. در پرونده جهانی «نقالی» در یونسکو یک‌سری برنامه‌ها تدوین شده که دولت متعهد شده بود این برنامه‌ها را اجرایی کند. یکی از این برنامه‌ها مستندسازی و مستندنگاری نقل‌های موجود بود. نقالی بیشتر یک هنر شفاهی است بنابراین هرآن‌چه مجلس نقل است باید به شکل صوتی و تصویری و یا در قالب کتاب گردآوری شود. همچنین شناسایی نقال‌ها، به این معنا که زندگی و آثار تمام نقال‌هایی که الان در کنار ما هستند، باید ثبت شود؛ چرا که اگر نقالان را از دست بدهیم نقل‌ها نیز از بین می‌رود. در این زمینه هر استانی می‌تواند این اقدام را به صورت مستقل انجام دهد. تا جایی‌که می‌دانم در استان زنجان فردی از روی علاقه این کارها را انجام داده و کتابش هم چاپ شده است.

نعمت طاووسی گفت: اجرای این برنامه‌ها برعهده دولت بوده و باید آن را طی مراحلی انجام می‌داد، اما تا جایی که در جریان هستم، هیچ‌یک از این برنامه‌ها انجام نشده است مگر تلاش‌هایی که گروه‌های مستقل در این زمینه انجام دادند و می‌دانم که در این مدت بنیاد فردوسی کلاس‌های تربیت نقال داشته و نقالانی را تربیت کرده، هرچند به تعداد اندک، که تعداد دختران هم از پسران بیشتر بوده است.

متولی مردم هستند اما آگاهی ندارند

مسؤول تهیه و ثبت پرونده جهانی «نقالی» با بیان این‌که متولی اصلی میراث ناملموس، مردم و جامعه‌ای هستند که آن را به عنوان هویت خودشان تعریف می‌کنند، افزود: اما به شرط آن‌که به مردم نسبت به میراثی که دارند، آگاهی داده شود. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی یکی از متولیان پرونده ثبت جهانی «نقالی» است و در پرونده آن آمده که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت آموزش عالی کشور، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد همگی برای پیاده کردن برنامه‌هایی که در این پرونده پیشنهاد شده است، مسؤولیت دارند و باید با همکاری هم این برنامه‌ها را پیش ببرند.

او اضافه کرد: به دلایل واضح و مبرهن که اصلی‌ترین آن مسأله اقتصادی است و البته بی‌مهری که در این زمینه وجود داشته، آن برنامه‌ها اجرا نشده است، اما بعضی از انجمن‌های مردم‌نهاد بر حسب علاقه تعدادی نقال تربیت کردند که برخی از آن‌ها اقبال داشتند، اما واقعیت این است که در این زمینه خیلی کم کار شده است. اگر اقدامی هم شده بر اساس علاقه یک‌سری افراد بوده است. در مسائل فرهنگی بیشتر باید هزینه شود و برگشت سرمایه آن معنوی است، نه مادی، ولی کمتر هزینه می‌شود. اگر دید اقتصادی کنار گذاشته شود، شاید قدر میراث ملموس و ناملموس ما در این کشور بیشتر دانسته شود. «نقالی» نیز مانند تمام مسائل دیگر فرهنگی است و باید روی آن سرمایه‌گذاری شود، اما در مسائل فرهنگی سرمایه‌گذاری باید به شکل معنوی باشد و نه مادی.

کودکان چرا باید شاهنامه دوست داشته باشند؟

نعمت طاووسی در پاسخ به این سوال که چگونه می‌توان «نقالی» را در جامعه رواج داد و مردم را نسبت به این هنر و میراث ایرانی آگاه کرد؟ گفت: به طور طبیعی و به دلیل این‌که رسانه تغییر کرده است، حتی پیوند کتاب و مخاطبان آن و نوع فیلم‌ها و سریال‌ها دچار تحول شده است، سلیقه مخاطب نیز تغییر کرده است و برای زنده نگه‌داشتن نقالی ارتباط بین حاملان این هنر و مخاطب دوباره باید برقرار شود، این موضوع نیازمند یک‌سری برنامه‌ریزی است. در این زمینه تحقیقی در وزارت میراث فرهنگی انجام شده است مبنی بر این‌که چگونه می‌توان علاقه‌مندی نسل جوان را درباره نمایش‌های سنتی، از جمله «سیاه‌بازی» یا «نقالی» دوباره برقرار کرد.

او اضافه کرد: نتیجه آن، یک‌سری راه‌های تشویقی بود. آموزش و آشنا کردن جامعه با این نوع نمایش‌ها از کودکی تا از همان سن به میراثی که از گذشتگان باقی مانده، افتخار کنند و لازمه آن «شناخت» است. وقتی ردپایی از نقالی و نمایش‌های سنتی در آموزش‌های مدارس نیست، بچه‌ها نمی‌دانند چرا باید شاهنامه دوست داشته باشند.

امروز چه تعداد از بچه‌های ما قصه‌های شاهنامه را می‌شناسند، یا اصلا قصه‌های عامیانه خودمان را می‌شناسند که بعد به نقالی و خیمه‌شب‌بازی و ... علاقه‌مند شوند؟ چقدر در کودکی این نمایش‌ها را دیده‌اند که در بزرگسالی هم این خاطره و علاقه در آن‌ها زنده شود؟

ایرانی‌ها «نقالی» را نمی‌شناسند

این پژوهشگر، نویسنده و عضو هیأت علمی گروه هنرهای سنتی اظهار کرد: برطرف کردن این خلاء به برنامه‌ریزی نیاز دارد و باید با همکاری دولت انجام شود، اما نکته حائز اهمیت این است که دولت نباید در زمینه‌های فرهنگی مستقیما دخالت کند، بلکه باید بسترسازی کند. به ویژه در حوزه میراث ناملموس باید حاملان این میراث را حمایت کند، کاستی‌ها را رفع کند و اجازه دهد تعامل بین حاملان و جامعه، به شکل طبیعی برقرار شود. در واقع دولت باید در این حوزه کمک کند، اما دخالت نکند و راه تعامل را باز بگذارد. این دخالت نکردن خیلی مهم است، یعنی سعی نکند به این حوزه جهت دهد و بگذارد جامعه خودش را پیدا کند، اما متاسفانه این حمایت وجود ندارد و جامعه مخاطب «نقالی»، که کل ایران است، نقالی را نمی‌شناسد. مگر جمع‌های کوچک، که این هنر را به شکل جدی‌تر جزء هویت خودشان می‌دانند.

«نقالی» را مدرن نکنید

مسؤول تهیه و ثبت پرونده جهانی نقالی درباره میزان دخل و تصرف‌ها در روایت‌های نقالی و اثر آن بر جایگاه این هنر و میراث ایرانی در یونسکو و در ابعاد جهانی، گفت: میراث ناملموس همواره در حال تعامل با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانهٔ خودش است، اما این تحولات باید به گونه‌ای باشد که هسته اصلی آن میراث، دستخوش تغییر نشود. نقالی یک هنر شفاهی بوده و هست و می‌تواند مانند هنرهای دیگر دچار تغییر و دخل و تصرف شود. از این‌رو ثبت داستان‌های نقالی در قالب طومارهای نقالی اتفاق افتاده که تعدادی از آن‌ها هم چاپ شده است. در واقع این طومارها برای مرشدان نقالی بوده که آن‌ها را ثبت کرده‌اند. حال، در برخورد مدرن داستان‌های جدیدی برای نقالی انتخاب می‌کنند که این دیگر نقالی سنتی نیست. برای مثال اگر با گیتار جاز نقالی کنند آن نقالی دیگر به عنوان یک هنر سنتی شناخته نمی‌شود و اصالت خودش را از دست می‌دهد. به دلیل این‌که کانونی که نقالی را اجرا می‌کند، از دست رفته است.

او اضافه کرد: با این حال این تغییرات رخ می‌دهد، اما جامعه مخاطب از آن استقبال نمی‌کند و برای همین است که باید نمونه‌های کهن آن را نگه دارند. نقالی هنر زنده است، باید جایی باشد که با حمایت دولت نقالی‌هایی را ببینیم که به شکل و شیوه‌های اصیلش اجرا می‌شود و ارتباطش را با نقطه آغازین قطع نکرده است، اما در این زمینه هم اقدامی انجام انجام نشده است. برای مثال در هند و چین برای «تئاتر نو» تماشاخانه‌هایی وجود دارد که در چند نوبت از سال، نمایش را به همان شکل سنتی اجرا می‌کنند و توریست برای تماشای این نمایش‌ها برنامه‌ریزی می‌کند. ما هم اگر می‌خواهیم نقالی از بین نرود باید برای مرشدهای قدیمی اجراهای ثابتی در طول سال بگذاریم و اطلاع‌رسانی کنیم که مردم ببینند و این نوع نمایش از یادشان نرود. درست است که فیلم‌هایی از نقالی این مرشدان وجود دارد، اما اجرای زنده چیز دیگری است.

به اعتقاد این پژوهشگر، «نقالی» و دیگر نمایش‌های سنتی به رونق گردشگری هم می‌تواند کمک کند، اما به شرطی که اصالت آن را از بین نبریم و دخل و تصرف در روایت‌های نقالی مداخله‌گرانه نباشد.

«نقالی» با «پرده‌خوانی» یکی نیست

مسؤول تهیه و ثبت پرونده جهانی «نقالی» در ادامه به تفاوت «نقالی» و «پرده‌خوانی» اشاره کرد و گفت: در پرونده جهانی نقالی، پرده‌خوانی از نظر تاریخی ذیل نقالی قرار دارد. نقالی نوعی نمایش سنتی است، با یک اجرای تک‌نفره و با قصه‌ای از دوران صفوی تا جایی که شواهد نشان می‌دهد. این نقل‌ها گاهی با پرده‌های نقاشی‌شده اجرا می‌شوند، اما در نقالی خودِ نقال و عصایی که دارد، حرکات بدنی او و هنر بازیگری‌اش در مرکز اجرا و توجه قرار می‌گیرد. حال آن‌که در پرده‌خوانی «پرده» به واسطه مجالس بی‌شماری که بر آن نقش زده شده، در مرکز توجه قرار می‌گیرد.

او ادامه داد: از طرفی «نقالی» به شکل عام بدون پرده می‌تواند اجرا شود. اشتباهی که وجود دارد و در تلویزیون و برنامه‌های رسانه‌ای چه داخل ایران و چه خارج از ایران به آن دامن می‌زند، این است که نشان می‌دهند نقال از روی پرده نقل می‌کند و همیشه پرده‌ای پشت نقال است. در حالی‌که این اشتباه است، این نه نقالی است و نه پرده‌خوانی. «نقال» اصلا به پرده نیازی ندارد و این پرده‌خوان است که به پرده نیاز دارد، چون در قصهٔ خود به مجلس‌های پرده اشاره می‌کند و از مجلسی به مجلس دیگر می‌رود. متاسفانه رسانه‌ها نیز در انتقال غلط شکلِ این دو هنر، نقش زیادی دارند.

نعمت طاووسی همچنین درباره قدمت «نقالی» بیان کرد: «نقالی» از دوران پیش از اسلام و دوران باستان به شکل‌های گوناگونی وجود داشته است. در آن زمان خنیاگران یا گوسان‌هایی بودند که هم در دربار و هم خارج از دربار قصه‌خوانی می‌کردند. البته به شکل امروز «نقالی» نبوده است، آن‌ها ساز می‌زدند و قصه‌هایشان را به آواز می‌خواندند و بازیگری می‌کردند. همچنین در بسیاری از اشعار ما نیز به «نقالی» اشاره شده است. یکی از مواردی که می‌توان به آن استناد کرد، ماجرای «مرگ اسب خسرو پرویز» است که هیچ‌کس جرأت مطرح کردن آن را نداشته و یک نقال با نقالی کردن این خبر را به خسرو پرویز می‌دهد.

سفر به فرانسه زیاد شد

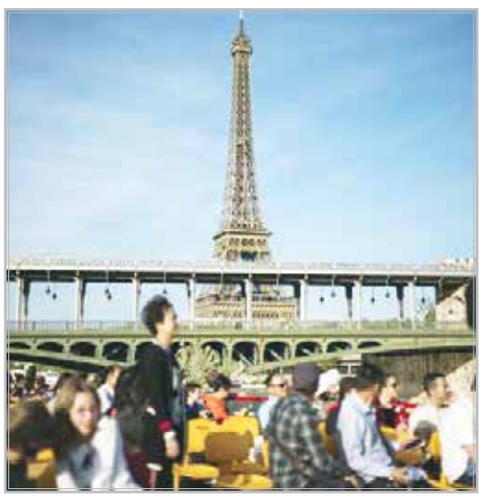

آمار اقامت شبانه در فرانسه در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۳ افزایش پیدا کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از فوربس، بر اساس گزارش آژانس آمار رسمی فرانسه، بخش گردشگری فرانسه با افزایش ۱۲.۶ درصدی در سه‌ماهه نخست ۲۰۲۳ در مقایسه با مدت مشابه یک سال قبل، به رشد قوی خود ادامه داد؛ چراکه اقامت یک‌شبه در هتل‌ها و سایر اقامتگاه‌های این کشور ۱۲.۶ درصد افزایش یافته است.

بر اساس جدیدترین آماری که ماه جاری منتشر شده است، «موسسه ملی آمار فرانسه» (INSEE) به این نکته اشاره کرده که گردشگری با افزایش قابل‌توجه بازدیدکنندگانی از بریتانیا مواجه شده است. اقامت شبانه گردشگران بریتانیایی ۱۰۲.۵ درصد افزایش داشت. این درحالی است که این آمار برای گردشگران آلمانی ۴۱.۷ درصد، برای هلندی‌ها ۹.۷ درصد و برای آمریکایی‌ها ۶۲.۳ درصد افزایش گزارش شده است. در این گزارش از آمار محوطه‌های کمپ‌ها استفاده نشده است. مرکز آمار فرانسه همچنین اشاره کرده که هتل‌ها از این هجوم رو به رشد گردشگران بیشترین سود را برده‌اند. اقامت در هتل‌ها در سه ماه نخست سال ۲۰۲۳ تقریباً ۷ میلیون نفر افزایش یافته و به ۴۲.۶ میلیون نفر اقامت رسیده، این درحالی است که در سه ماه نخست ۲۰۲۲، این آمار ۳۵.۷ میلیون نفر بود. آمار جدید تقریباً نزدیک به ۴۲.۷ میلیون نفر در سه ماه نخست سال ۲۰۱۹ و پیش از همه‌گیری کرونا است.

صرف نظر از بازدیدکنندگان بریتانیایی، گردشگران بین‌المللی، به طور کلی نشانه‌هایی از افزایش سفر خود به یکی از محبوب‌ترین مقاصد جهان را نشان می‌دهند. اقامت توسط گردشگران بین‌المللی در سه‌ماهه نخست امسال ۵۵.۸ درصد افزایش یافته و به ۴.۸ میلیون نفر رسیده است. همچنین، اقامت شبانه مسافران داخلی ۲.۱ میلیون نفر یا ۷.۷ درصد افزایش یافته است.

به نظر می‌رسد این گروه از مسافران اقامت‌های لوکس را به اقامت کم‌خرج ترجیح داده‌اند. براساس گزارش مرکز آمار، اقامت در هتل‌های مجلل ۳۱.۴ درصد افزایش یافته است، در حالی که اقامتگاه‌های ارزان‌تر در واقع شاهد کاهش ۲.۷ درصدی رزرو بوده‌اند.

خبر

پیش‌بینی برندگان کن

نخل طلای کن سهم کدام فیلم می‌شود؟

جشنواره فیلم کن ۲۰۲۳ در حالی امشب به کار خود پایان می‌دهد که شاهد یکی از داغ‌ترین رقابت‌ها برای کسب نخل طلای بهترین فیلم هستیم و باید منتظر انتخاب هیات داوران این رویداد باشیم.

به گزارش ایسنا، هفتاد و ششمین جشنواره فیلم کن نیز در حالی به ایستگاه پایانی خود رسیده که در بخش مسابقه اصلی شاهد رقابت ۲۱ فیلم بود که اغلب با واکنش منتقدان و مخاطبان همراه شد؛ از فیلم «جاناتان گلیزر» (منطقه مورد علاقه) تا «هیولا»ی «هیروکازو کورئیدا» و «می دسامبر» از «تاد هینز» و «بلوط پیر» ساخته «کن لوچ».

برخی این آثار با تشویق طولانی حاضرین در سالن گرند لومیر کن در اولین نمایش جهانی خود مواجه شدند اما آنچه در نهایت برنده جایزه نخل طلای بهترین فیلم را تعیین می‌کند، تشویق‌های طولانی مدت تماشاگران نیست بلکه نظر هیات داوران به ریاست «روبن اوستلوند» فیلمساز مطرح سوئدی است که خودش از جمله معدود کارگردان برنده دو جایزه اصلی کن است.

«جولیا دوکورنو» کارگردان و فیلمنامه نویس فرانسوی برنده نخل طلای ۲۰۲۱، «مریم توزانی» کارگردان و فیلمنامه نویس مراکشی، «دنیس منوچه» بازیگر فرانسوی، «رونگانو نیونی» نویسنده و کارگردان زامبیایی-انگلیسی، «بری لارسون» بازیگر، کارگردان و تهیه کننده آمریکایی، پل دانو بازیگر، نویسنده و کارگردان آمریکایی، «عتیق رحیمی» نویسنده و فیلمساز افغانستانی و «دامین شیفرون» نویسنده و کارگردان آرژانتینی دیگر اعضای هیات داوران هفتاد و ششمین جشنواره فیلم کن هستند که مسئولیت دشوار انتخاب برنده نخل طلای بهترین فیلم و دیگر جوایز از جمله جایزه بزرگ هیات داوران، جایزه هیات داوران، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر مرد و زن و... را برعهده دارند.

در این میان برخی از عناوین خارج از رقابت، مانند «قاتلان ماه کامل» ساخته «مارتین اسکورسیزی» یا فیلم‌های مانند «بزهکاران» ساخته «رودریگو مورنو» و «شکستن یخ» اثر «آنتونی چن» نیز سر و صدای زیادی در کن ایجاد کردند اما به دلیل نمایش در بخش غیررقابتی واجد شرایط هیچ جایزه نیستند و باید منتظر درخشش آنها در طول فصل جوایز سینمایی‌باشیم.

۲۱ فیلم در رقابت اصلی هستند و در حالی که همه امیدوارند با نخل طلایی به خانه بروند، دو جایزه مهم دیگر نیز از سوی هیات داوران به آثار جسورانه اعطا می‌شود؛ جایزه بزرگ و جایزه هیات داوران - که به عنوان مهم‌ترین جوایز پس از نخل طلا_ شناخته می‌شوند.

سابقه برندگان نخل طلایی که به سمت موفقیت در اسکار حرکت کردند در طول سال‌ها متفاوت بوده است. در طول دو دهه گذشته، «پیانیست» رومن پولانسکی (۲۰۰۲)، «درخت زندگی» ترنس مالیک (۲۰۱۱)، «عشق» میشائیل هانکه (۲۰۱۲)، «انگل» بونگ جون هو (۲۰۱۹) و «مثلث غم» از اوستلوند نامزد اسکار بهترین فیلم شده است. با این حال تنها «اَنگل» و دیگری «مارتی» (۱۹۵۵) بودند که علاوه بر دریافت جایزه نخل طلا، اسکار بهترین فیلم را نیز به خود اختصاص دادند.

تنها ۹ فیلمساز از جمله «روبن اوستلوند» بیش از یک بار برنده جایزه برتر جشنواره شده‌اند. «کن لوچ» کارگردان انگلیسی نیز در میان این ۹ نفر قرار دارد (بادی که علفزار پیچید محصول ۲۰۰۶ و من، دنیل بلیک در سال ۲۰۱۶ دو فیلم برنده نخل طلای این کارگردان کهنه‌کار هستند)، فیلمسازی که امسال نیز با «بلوط پیر» در رقابت کن حضور دارد.

«هیروکازو کورئیدا» (هیولا) و«ویم وندرس» (روزهای عالی)، دو سینماگر دیگری هستند که پیش از این سابقه دریافت نخل طلای بهترین فیلم کن را در کارنامه دارند.

در حال حاضر، صرفاً بر اساس استقبال مخاطبان و نقدها، به نظر می‌رسد که «آناتومی یک سقوط» ساخته «جاستین تریه» و «منطقه مورد علاقه» از «جاناتان گلیزر» و پس از آن «می دسامبر» از «تاد هینز» بیشترین شانس کسب نخل طلا را دارند، البته در صورتی که هیات داوران ترجیح ندهد به ستاره‌های این فیلم‌ها از جمله «جولین مور» و «ناتالی پورتمن» جایزه بازیگری بدهند.

آخرین پیش‌بینی ورایتی از برندگان جوایز اصلی بخش مسابقه جشنواره کن در زیر آمده است:

نخل طلای کن سهم کدام فیلم می‌شود؟
جایزه نخل طلای بهترین فیلم
آناتومی یک سقوط (جاستین تریه)
منطقه مورد علاقه (جاناتان گلیزر)
می دسامبر (تاد هینز)
برگ‌های افتاده (آکی کوریزماکی)
هیولا (هیروکازو کوریدا)
روزهای عالی (ویم وندرس)

[redacted] [redacted] [redacted] [redacted]